

دیپلماسی اقتصادی؛

رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران

مسعود موسوی شفاپی *

همت ایمانی **

چکیده

در عصر جهانی شدن، معیار ارزیابی قدرت ملی کشورها دیگر همانند گذشته قدرت سخت نظامی نیست. امروزه مؤلفه‌ها و شاخص‌های قدرت ملی ابعاد جدیدی را در برمی‌گیرد که عمدتاً مربوط به حوزه‌های اقتصادی، مالی، علمی- فناوریانه و فرهنگی است. در دنیای حاضر، اهمیت مؤلفه‌های جدید قدرت (قدرت نرم) نسبت به مؤلفه‌های سابق (قدرت سخت) افزایش یافته است. با توجه به همگرایی و درهم‌تنیده شدن اقتصاد کشورهای مختلف، رویکردهای سیاست خارجی و دیپلماسی و تعیین اهداف و راهبردهای آن، نقش اساسی در توسعه قدرت ملی کشورها ایفا می‌کند؛ بنابراین در راستای استفاده از تمامی ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی، سیاست خارجی ایران نقشی کلیدی در ایجاد محیطی مناسب برای ارتقای جایگاه کشور در نظام بین‌الملل بر عهده دارد. بر این اساس، توجه به دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یک رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی ایران و توجه به الزامات رفتاری آن، اهمیتی ویژه یافته است. در راستای تجزیه و تحلیل این مسئله، پرسش اصلی مقاله این است که سیاست خارجی در دستیابی ایران به جایگاهی قدرتمند در اقتصاد جهانی چه نقشی می‌تواند بر عهده گیرد و تصمیم‌گیران کشور در راستای قدرتمندی ایران، چه مؤلفه‌هایی را باید محور برنامه‌ریزی خود قرار دهند؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش این است که رهبران و تصمیم‌گیران در راستای قدرتمندی ایران و ارتقای جایگاه جهانی اقتصاد آن، باید دیپلماسی اقتصادی را محور سیاست خارجی ایران قرار دهند.

واژگان کلیدی

دیپلماسی اقتصادی، قدرت ملی، انرژی، همگرایی اقتصادی، بخش خصوصی، تجارت الکترونیک، سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود تصویر کشور

Email: shafae@modares.ac.ir

* عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر مسائل توسعه (نویسنده

مسئول)

Email: Hemmat.Imani@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۲۶

تاریخ ارسال: ۹۶/۱/۲۸

فصلنامه راهبرد / سال بیست‌وششم / شماره ۸۴ / پاییز ۱۳۹۶ / صص ۱۷۴-۱۴۹

جستار گشایی

افزایش قدرت ملی باهدف تضمین امنیت و رفاه مردم، اولویت نخست همه دولت‌هایی است که براساس آرای مردم شکل گرفته‌اند. امروزه در عصر جهانی‌شدن و ارتباطات، شاهد رقابت سرسختانه‌ای بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه موفق درخصوص افزایش هرچه بیشتر قدرت ملی هستیم. به‌طوری‌که هنوز هم این قاعده نظریه واقع‌گرایی روابط بین‌الملل حکم‌فرماست که افزایش قدرت یک کشور، به‌ویژه کشور همسایه از نظر دیگر کشورهای هم‌جوار به‌نوعی تهدید امنیت ملی محسوب می‌شود. این مسئله باعث شده تا مقامات هر کشوری با حساسیت زیادی تحولات منطقه‌ای و جهانی را دنبال کنند؛ بنابراین دولت‌ها نهایت توان خود را به کار می‌گیرند تا از توان و ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی خود در راستای افزایش قدرت و رفاه ملی استفاده کنند.

مفروض پژوهش این است که در عصر جهانی‌شدن، کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه موفق در راستای کسب قدرت و ثروت و ارتقای جایگاه خود در نظام بین‌الملل، دیپلماسی اقتصادی را محور سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. بر این اساس، تمرکز پژوهش حاضر بر این است تا نقش سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی را در افزایش قدرت ملی ایران مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش این است که سیاست خارجی ایران در دستیابی کشور به جایگاهی قدرتمند در اقتصاد جهانی چه نقشی می‌تواند بر عهده گیرد و تصمیم‌گیران کشور در راستای قدرتمندی ایران، چه مؤلفه‌هایی را باید محور برنامه‌ریزی خود قرار دهند؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش این است که رهبران و تصمیم‌گیران ایران در راستای قدرتمندی کشور و ارتقای جایگاه جهانی اقتصاد آن، باید دیپلماسی اقتصادی را محور سیاست خارجی ایران قرار دهند.

این پژوهش به تبیین دیپلماسی اقتصادی ایران باهدف قدرتمندی کشور، نقش‌آفرینی در عرصه‌های بین‌المللی، ارتقای جایگاه جهانی اقتصاد ایران و تضمین منافع و امنیت ملی می‌پردازد. در این راستا، بعد از تشریح مفهوم دیپلماسی اقتصادی، تعاریف، سطوح و ابعاد آن، در ادامه به تشریح مؤلفه‌ها، راهبردها و تدابیری خواهیم پرداخت که با در پیش‌گرفتن رویکرد دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران و با توجه به ظرفیت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌تواند مبنای عمل تصمیم‌گیران و نخبگان کشور در عرصه سیاست خارجی قرار گیرد. درنهایت نیز پیشنهادهایی جهت تکمیل و ارتقای الگوی پایه پیشرفت (تدابیر زیرمجموعه بند ۱۴ و ۱۶ افق) ارائه خواهد شد.

با توجه به اینکه پرداختن به اهمیت رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی به خصوص در ایران از سابقه چندانی برخوردار نیست، منابع چندانی در این زمینه وجود ندارد و عمده نوشته‌ها نیز در چند سال گذشته منتشر شده است. در اینجا به برخی از مهم‌ترین نوشته‌ها به زبان فارسی اشاره می‌شود. کتاب «دیپلماسی اقتصادی» که توسط محمود واعظی و مسعود موسوی شفايي تدوین و گردآوری شده، یکی از منابعی است که در این زمینه منتشر شده است. این کتاب مجموعه مقالاتی است که عمدتاً به بررسی جهانی شدن اقتصاد و تأثیر آن بر سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی و همچنین تجربه برخی کشورها در زمینه دیپلماسی اقتصادی پرداخته است. «دیپلماسی اقتصادی؛ ابزاری نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن» یکی از مقالات مهم این کتاب است که با رویکرد نظری به مباحثی مانند فضای جریان‌ها و فضای مکان‌ها، دیپلماسی اقتصادی در فضای جریان‌ها، ظهور کارکردهای دیپلماتیک در شرکت‌های فراملی و تنوع واحدهای متولی امور خارجی کشورها، نقش‌ها و بازیگران عرصه دیپلماسی اقتصادی و غیره پرداخته است.

حسین پوراحمدی و همکاران در مجموعه مقالاتی با عنوان «دیپلماسی نوین: جستارهایی در سیاست خارجی ج.ا.ایران» به بررسی تحولات نوین جهانی و اثرات آن بر دیپلماسی خارجی ج.ا.ایران پرداخته‌اند. در بیشتر مقالات این کتاب جهانی شدن اقتصاد و تأثیر آن بر دیپلماسی و سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. این کتاب نیز بیش از آنکه ماهیتی توصیفی و تبیینی داشته باشد، رویکردی تجویزی دارد. از بین کتاب‌های منتشر شده در سال‌های اخیر در این زمینه، شاید بتوان جامع‌ترین کتاب را مجموعه مقالات «سیاست خارجی توسعه‌گرا» دانست. این کتاب در زمینه الزامات نظری و عملی دستیابی به اهداف چشم‌انداز و نوع مواجهه با فرایند جهانی شدن و به ویژه جهانی شدن اقتصاد می‌تواند بسیار مفید باشد، با این حال عمدتاً نگاه تجویزی دارد و با محوریت نگاهی به آینده ایران گردآوری شده است. محمدجعفر جوادی‌ارجمند در مقالاتی با عنوان «جهانی شدن اقتصاد و پیامد آن بر سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران» و «تعامل اقتصاد و سیاست‌گذاری در ج.ا.ایران» با بررسی جهانی شدن، به ویژه در زمینه اقتصادی به بررسی اثرات آن بر سیاست‌گذاری ج.ا.ایران و نوع تعامل آن دو می‌پردازد. بررسی این آثار نشان می‌دهد که هنوز اثر جامعی در خصوص موضوع این پژوهش نگاشته نشده و بیشتر مقالات و کتاب‌های منتشر شده هرچند که دیپلماسی اقتصادی را محور بحث خود قرار داده‌اند، اما عموماً مصداق‌های دیگری را به عنوان مطالعه موردی بررسی کرده‌اند. تمرکز مقاله حاضر به طور ویژه بررسی دیپلماسی اقتصادی ایران به عنوان ابزار قدرتمندی این کشور در عرصه جهانی است.

۱. چارچوب مفهومی؛ دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی در دوران پس از جنگ سرد و گسترش فرایند جهانی شدن مطرح شد و امروزه به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند، کنش در فضای بین‌الملل در برابر دیپلماسی سنتی قرار گرفته است. اساس شکل‌گیری دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر کاستی‌های دیپلماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست‌گذاری و تأمین منافع بازیگران دولتی و غیردولتی عرصه بین‌الملل در چارچوب تعاملات فزاینده و چندوجهی اقتصاد جهانی است؛ بنابراین دیپلماسی ابزاری برای تأمین منافع طراحان و بازیگران دولتی و غیردولتی در عصر جهانی شدن است (موسوی‌شفایی، ۱۳۸۸: ۸۰). دیپلماسی اقتصادی به موضوعات سیاست کلان اقتصادی می‌پردازد و به دنبال تأمین اهداف و منافع توسعه‌ای کشور است. مسائلی از قبیل ثبات اقتصادی، امنیت غذایی، تأمین مسکن، مبارزه با فقر، حفظ محیط‌زیست، بهداشت و سلامت جامعه، آموزش، اشتغال‌آفرینی، سرمایه‌گذاری، سیاست‌های صنعتی، قانون رقابت و منطقه‌گرایی از مقوله‌هایی هستند که مورد توجه دیپلماسی اقتصادی است (فتحی و پاک‌دامن، ۱۳۸۹: ۲۰۶). درواقع دیپلماسی اقتصادی جدید پاسخی به چالش‌های نوظهور ناشی از جهانی شدن، تصمیم‌گیری داخلی و همکاری‌های فزاینده بین همه بازیگران درگیر است (Bayne & Woolcock, 2010: 94).

از نظر برخی دیپلماسی اقتصادی به «مدیریت روابط اقتصادی بین دولت و دیگر بازیگران گفته می‌شود که توسط دولت یا عوامل غیرحکومتی هدایت می‌شود» (Bryant, 1975). کیشان رانا دیپلماسی اقتصادی را فرایندی می‌داند که از طریق آن، کشورها خود را به جهان بیرون وصل می‌کنند تا منافع ملی خودشان را در زمینه فعالیت‌هایی که شامل تجارت، سرمایه‌گذاری و سایر اشکال مبادلات سودآور اقتصادی که از مزیت نسبی در ابعاد دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه برخوردارند، به حداکثر برسانند (Rana, 2007). در تعریف اصطلاح دیپلماسی اقتصادی باید گفت به اقدامات رسمی دیپلماتیکی اطلاق می‌شود که بر روی افزایش صادرات، جذب سرمایه خارجی و شرکت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی تأکید دارند که درواقع فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که تأمین‌کننده منافع اقتصادی کشور در سطح بین‌المللی است (Baranay, 2009: 2). بنابراین دیپلماسی اقتصادی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزشمند و مناسب برای فهم توان، ضعف‌ها و مقاصد یک دولت توسعه‌یافته یا درحال توسعه است (Sklias, 2012: 288). دیپلماسی اقتصادی منافع اقتصادی یک دولت را در خارج از کشور و در اقتصاد جهانی گسترش می‌دهد.

هدف عمده دیپلماسی اقتصادی، کمک به توسعه اقتصاد ملی است و کارکرد اصلی آن جستجوی اهداف اقتصادی با معیارهای دیپلماتیک است؛ خواه با ابزارهای اقتصادی یا غیراقتصادی (Ploae, 2010). از این رو، باید توجه داشت که ترسیم یک دیپلماسی اقتصادی موفق بدون در نظر گرفتن اولویت‌های توسعه ملی از یک سو و درک منطق بازار جهانی، بسیار بعید به نظر می‌رسد (Sobhan, 2009). همچنین می‌توان گفت دیپلماسی اقتصادی به دنبال تأمین امنیت اقتصادی یک دولت در نظام بین‌المللی آنارشیست است (Jönsson and Hall, 2005). با این وجود، می‌توان مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف دیپلماسی اقتصادی، به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه را شامل تسهیل فضای کسب‌وکار تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، گردشگری، بهبود تصویر کشور و دستیابی به فناوری و علم دانست (Naray, 2008).

۱-۱. سطوح دیپلماسی اقتصادی

کشورها به‌عنوان بازیگران اصلی دیپلماسی اقتصادی، اگرچه در سطوح مختلفی در تکاپو هستند، اما می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی آن را در دو سطح داخلی و خارجی مورد تحلیل قرار داد.

۱-۱-۱. سطح داخلی

سطح داخلی دیپلماسی اقتصادی به نوع و سطح بازیگران داخلی درگیر در دیپلماسی اقتصادی مربوط است. بازیگران درگیر در سطح داخلی را می‌توان در چارچوب دو سطح فردی و نهادی مورد بررسی قرار داد. بازیگران درگیر، در سطح فردی اگرچه شامل طیف گسترده‌ای از افراد می‌شوند، اما در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان آنها را در دو گروه جای داد: ۱- سطوح بالای نظام سیاسی (رهبر کشور، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزرا و اعضای پارلمان)؛ ۲- سفرا و نمایندگان دیپلماتیک سطح پایین‌تر (Naray, 2008). کشورهای موفق در عرصه دیپلماسی اقتصادی، با توجه به اهمیت اقتصاد در مؤلفه‌های قدرت ملی معمولاً کارکرد تلاش‌های دیپلماتیک رهبران را در راستای گشایش در مسیر رایزنی‌های فنی-دیپلماتیک دیپلمات‌های اقتصادی و رایزنان تجاری تعریف می‌کنند تا براینند این تلاش‌ها به تأمین منافع ملی در این عرصه منجر شود. بنابراین، اگرچه این تفکیک بدین صورت مطرح شده است، اما باید توجه داشت که کشورهایی می‌توانند در زمینه بهره‌گیری از ظرفیت‌های سیاسی برای پیشبرد منافع اقتصادی در عرصه بین‌المللی موفق باشند که این دو سطح به‌صورت منسجم و در تکمیل یکدیگر عمل کنند. علاوه بر سطوح فردی و شاید با اهمیت‌تر از آن توجه به سطح نهادی و سازمانی در زمینه دیپلماسی اقتصادی و تجاری است. از آنجا که هدف کلان دیپلماسی اقتصادی کمک به افزایش قدرت ملی و توسعه اقتصاد ملی است، تعیین اولویت در خرده اهداف

و بر این اساس تعیین نهادها و سازمان‌های متولی از اهمیت زیادی برخوردار است. در سال‌های اخیر، در سطح نهادی با تکثر و تعدد سازمان‌ها و نهادهای درگیر مواجه هستیم؛ به طوری که انحصار وزارت امور خارجه در زمینه پیگیری امور فرامرزی به طور جدی به چالش کشیده شده است. علاوه بر این در سطح دولتی، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های متعددی خود را شریک وزارت امور خارجه در پیگیری مسائل بین‌المللی می‌دانند. این در حالی است که تحولات نوین نیز باعث جدی شدن نقش نهادهای غیردولتی در زمینه دیپلماسی کشورها شده است. بازیگرانی همچون کنشگران اقتصادی خصوصی، گروه‌های حقوق بشری و گروه‌های حامی محیط‌زیست، سازمان‌های غیردولتی^۱ و... در دیپلماسی کشورها تأثیرگذارند (موسوی شفیایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۸).

۱-۲-۱. سطح خارجی

در عرصه خارجی، تلاش برای ارتقای منافع اقتصادی کشورها در چارچوب دیپلماسی اقتصادی را می‌توان در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه مورد توجه قرار داد. دیپلماسی اقتصادی دوجانبه بخش اعظم مناسبات بین‌المللی کشورها را در بر می‌گیرد. در این میان، اهمیت سطح منطقه‌ای دیپلماسی اقتصادی به شکل فزاینده‌ای در حال رشد است. چون قراردادهای اقتصادی منطقه‌ای مسیر سریع‌تری برای بازارهای آزاد است و معمولاً آزادسازی اقتصادی در راستای منافع ملی در میان گروهی از کشورها در منطقه‌ای خاص، آسان‌تر مورد پذیرش قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، پیگیری دیپلماسی اقتصادی چندجانبه معمولاً در چارچوب سازمان‌هایی مثل سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی رخ می‌دهد (Rashid, 2005).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار (۱) - سطوح دیپلماسی اقتصادی



در خصوص ارزیابی قدرت ملی کشورها، رویکردهای مختلفی وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران این حوزه بر متغیر خاصی در ارزیابی قدرت ملی کشورها توجه داشته‌اند، چنانکه (کینزلی دیویس بر درآمد ملی؛ چالز هیش و رونال مک‌کین بر تولید ناخالص ملی؛ بروس راست و اسکار مورگسترن بر مصرف سوخت و انرژی و جورج مدلسکی و ویلسام تامپسون بر اندازه نیروی دریایی). در این راستا برخی نیز ترکیبی از چند متغیر را در ارزیابی قدرت ملی کشورها مدنظر قرار داده‌اند و کلاس نور، ظرفیت اقتصادی، صلاحیت اجرایی و انگیزه جنگیدن؛ ال‌کوک و نیوکمب، تولید ناخالص داخلی، سرانه جمعیت و تراکم جمعیت؛ دیوید سینگر، جمعیت، مصرف انرژی، تولید فولاد، هزینه و تعداد نیروی نظامی؛ ریچارد مویر، وسعت، جمعیت، تولید فولاد، تعداد نفرات ارتش، تعداد موشک‌های قاره‌پیما و سوئل کوهن، میزان پس‌انداز، تولید کشاورزی،

تولید صنعتی، درصد صادرات، تحقیق و توسعه، تعداد دانشمندان، تعداد مهندسان و تعداد اختراعات را به عنوان متغیرهای اصلی قدرت ملی کشورها در نظر می‌گیرند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۱-۴۸). در پژوهش حاضر با الهام‌گیری از اندیشه‌های جوزف نای، مفهوم قدرت ملی دربرگیرنده شاخص‌های مربوط به هر دو بعد «قدرت سخت» و «قدرت نرم» است که نای آن را «قدرت هوشمند» نام‌گذاری می‌کند. قدرت هوشمند دربرگیرنده همه مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی، علمی، فناوری، اجتماعی، فرهنگی، سرزمینی، نظامی، فضایی، بین‌المللی و غیره است. در واقع قدرت، توانایی تحت‌تأثیر قراردادن دیگران برای به‌دست‌آوردن نتایج دلخواه است. بسیاری از دولت‌ها با استفاده ترکیبی از قدرت سخت و نرم، منافع ملی را دنبال می‌کنند (Nye, 2011).

سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ متأثر از فضای انقلابی، ایدئولوژی اسلامی، اصول قانون اساسی، ویژگی‌های شخصیتی و افکار تصمیم‌گیران و همچنین تحت‌تأثیر تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی، همواره در چالش با نظام بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ بوده است. در عین حال باید گفت که سیاست خارجی ایران ضمن چالش مستمر با نظام بین‌الملل، رویکردهای مختلفی را نیز تجربه کرده است که می‌توان به رویکرد لیبرالی دولت موقت، آرمان‌گرایی دوران جنگ، عمل‌گرایی بعد از جنگ و دوره سازندگی، تنش‌زدایی و صلح‌طلبی دوره اصلاحات، اصول‌گرایی، اعتدال‌گرایی اشاره کرد. با نگاهی واقع‌گرایانه و علمی به پیشینه سیاست خارجی ایران، می‌توان گفت که در دوران بعد از انقلاب، سیاست خارجی ایران (به‌جز دوره دوم اصلاحات و در دولت یازدهم) هیچ‌وقت دارای رویکرد اقتصادی منسجمی نبوده و اساساً دستگاه سیاست خارجی ایران بیشتر رویکرد سیاسی-امنیتی داشته و فاقد دیپلماسی اقتصادی بوده است. این در حالی است که در بیانات مقامات کشور در دوران بعد از انقلاب، تأکید زیادی بر مسائل پیشرفت و توسعه شده، اما این دغدغه پیشرفت در رویکرد سیاست خارجی کشور چندان نمود نیافته است. براساس تجارب کشورهای توسعه‌یافته ایالات متحده آمریکا، اروپای غربی، ژاپن و حتی کشورهای در حال توسعه آسیای جنوب شرقی چین، کشورهای آسیای جنوب شرقی، ترکیه، برزیل، می‌توان گفت بدون در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران، دستیابی به پیشرفت و توسعه امکان‌پذیر نیست. کشوری که دغدغه پیشرفت دارد، باید با کشورهای دیگر روابط مسالمت‌آمیزی داشته باشد، تنش‌های خود را در عرصه جهانی و به‌خصوص محیط پیرامونی به حداقل برساند، اقتصاد ملی خود را به اقتصاد جهانی گره بزند و قاعداً باید سیاست خارجی پیشرفت‌محور را نیز دنبال کند.

در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که داشتن روابط اقتصادی با دیگر کشورها به معنی داشتن دیپلماسی اقتصادی نیست. بلکه دیپلماسی اقتصادی باید به صورت نظام‌مند با مشارکت بخش خصوصی و با هدف تأمین منافع ملی و افزایش قدرت کشور طراحی شود. «وقتی صحبت از دیپلماسی اقتصادی می‌شود به معنای پیوند دولت و بازار یا دولت و بخش خصوصی است. دیپلماسی تجاری و اقتصادی در نظام بین‌الملل، بهینه‌ترین ترکیب همکاری بین دولت و بخش خصوصی است. دیپلماسی وظیفه دولت‌ها به‌عنوان مسئول طراحی و اجرای سیاست خارجی است و در واقع بحث دیپلماسی به‌طور عام را دولت‌ها دنبال می‌کنند. اما زمانی که پسوند تجارت یا اقتصاد به دیپلماسی وصل می‌شود، دیگر از حوزه وظایف دولت خارج می‌شود و دولت وظیفه ندارد که وارد جزئیات مسائل اقتصادی شود، بلکه دولت بستری را فراهم می‌کند و در این بستر زمینه را برای حضور بخش خصوصی و نیروهای بازار در اقتصاد جهانی یا اقتصاد منطقه‌ای ایجاد می‌کند. هدف اصلی دیپلماسی اقتصادی و تجاری، پیوند تدریجی اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی است که از دو راه سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت (اعم از صادرات و واردات) انجام می‌شود» (امیدبخش، ۱۳۹۴: ۱۹). پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی از پیش شرط‌های اصلی قدرتمندی ایران است که دستگاه سیاست خارجی در رسیدن به این هدف، نقش اصلی دارد؛ بنابراین، افزایش قدرت ملی ایران در نظام بین‌الملل در صورتی ممکن است که دیپلماسی اقتصادی به عنوان محور سیاست خارجی در نظر گرفته شود.

۲. مؤلفه‌ها و راهبردهای دیپلماسی اقتصادی و قدرتمندی ایران

در اینجا به تشریح مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی که در دیپلماسی اقتصادی با هدف افزایش قدرت ملی ایران باید مورد توجه ویژه قرار گیرد، می‌پردازیم.

۲-۱. حفظ یکپارچگی، حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال

حفظ یکپارچگی، حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال، اساسی‌ترین اولویت سیاست خارجی هر کشوری محسوب می‌شود و رسیدن به این هدف پیش‌شرط‌های خاص خود را می‌طلبد که تحت تأثیر تحولات نظام بین‌المللی است. در دوره جنگ سرد، کشورها در راستای تأمین امنیت ملی و حفظ تمامیت سرزمینی کشور به دنبال افزایش قدرت نظامی خود بودند و در ارزیابی قدرت ملی و امنیت ملی، عوامل سخت‌افزاری از جمله تعداد موشک‌ها، تانک‌ها، هواپیماها، جنگنده‌ها، نفرها، سربازها و غیره معیار بود. اما امروزه تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن (در عرصه سیاست، اقتصاد، فرهنگ، ارتباطات و فناوری و غیره) در ارزیابی قدرت و امنیت ملی، علاوه بر معیارهای سخت‌افزاری، متغیرهایی همچون نرم‌افزاری، نرخ رشد اقتصادی،

سرمایه‌گذاری خارجی، ظرفیت تولید، حجم تجارت و صادرات، سطح علمی و فناوری، آموزش، سلامت و غیره هم در نظر گرفته می‌شود. چه‌بسا که امروزه اهمیت مؤلفه‌های اقتصادی و فناورانه در ارزیابی قدرت ملی به مراتب مهم‌تر از مؤلفه‌های نظامی است. در ایران، هنوز برآورد قدرت و امنیت ملی، بیشتر با مؤلفه‌های سخت‌افزاری سنجیده می‌شود. هنوز نقش اقتصاد در ارزیابی قدرت ملی چندان حائز اهمیت نیست. به اعتقاد سریع‌القلم «مفهوم قدرت در سیاست خارجی ایران، بیشتر یک امر تصویری است تا آماری» (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۶۴). ارزیابی قدرت ملی، حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی باید با در نظر گرفتن همه مؤلفه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و با تکیه بر اطلاعات دقیق علمی انجام شود. با توجه به تحول مفاهیم امنیت ملی و قدرت ملی، در پیش‌گرفتن دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی می‌تواند مشکلات ایران را در زمینه اقتصادی، علمی، امنیتی، حفظ تمامیت سرزمینی و غیره مرتفع کند. همچنین با توجه به تحول مفهوم «استقلال» نیز می‌توان گفت که کشوری مستقل است که در نظام بین‌الملل وزن مؤثری داشته باشد و این امر در صورتی امکان‌پذیر است که دارای اقتصاد قدرتمندی باشد. در نهایت باید گفت که امروزه حفظ امنیت ملی، تمامیت سرزمینی، حاکمیت و استقلال کشورها به شدت به میزان قدرت اقتصادی آنها گره خورده است.

۲-۲. تقویت بخش خصوصی و آزادسازی اقتصادی

برخورداری از بخش خصوصی قدرتمند و اقتصاد آزاد یکی از مؤلفه‌های اساسی قدرت ملی محسوب می‌شود. دستیابی به این هدف مهم تنها در صورتی امکان‌پذیر است که در عرصه سیاست خارجی، رویکرد اقتصادی در پیش گرفته شود. چرا که براساس تجارب جهانی، لازمه آزادسازی اقتصادی، داشتن روابط مسالمت‌آمیز با دنیاست و این نوع رابطه با در پیش‌گرفتن رویکرد امنیتی - سیاسی در سیاست خارجی به دست نمی‌آید.

علاوه بر آن، به نظر می‌رسد بهترین راه رهایی از رکود اقتصادی ایران، اصلاحات اقتصادی، توجه ویژه به نقش مردم و تقویت بخش خصوصی است. قدرت جامعه در دو عنصر نهفته است: نخست تولید کالا، خدمات و ثروت؛ دوم، گستردگی شکل. اقتصاد یک کشور زمانی رشد می‌کند که شهروندان آن در حوزه‌های مختلف کار و فعالیت اقتصادی تخصص پیدا کرده و در تقسیم نیروی کار بکوشند. برای مثال با قدرتمند شدن بخش خصوصی ترکیه، دولت و حاکمیت آن نیز قدرتمند شده و جایگاه مهم‌تری در رده‌بندی‌های جهان به دست می‌آورد. اگر قدرت به این معنا تفسیر شود، جهت‌گیری و تصمیم‌گیری سیاست خارجی نیز تسهیل‌کننده افزایش قدرت و ثروت مردم و کشور قلمداد خواهد شد. امروزه نگاه سنتی تسلط حکومت بر مردم جای خود را به مشارکت میان حاکمیت و مردم داده تا کشور قدرتمند و ثروتمند و با عزت شود. این

تلفی جدید از قدرت، ساختاری متفاوت در سطح روابط بین‌المللی پدید آورده است و دولت‌ها را صرفاً به «نهادهای تسهیل‌کننده» تبدیل کرده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۴). تقویت بخش خصوصی در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی بسیار حیاتی است. دیپلماسی اقتصادی نیز می‌تواند زمینه آزادسازی اقتصادی در منطقه و جهان را فراهم آورد. «دیپلماسی اقتصادی به معنای تنظیم و پیشبرد سیاست‌های مرتبط با تولید، جابه‌جایی یا مبادله کالاها، خدمات، کار و سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها است. یکی از ویژگی‌های بارز دیپلماسی اقتصادی، مشارکت بخش خصوصی در فرایند سیاست‌گذاری است که با شناخت و آگاهی از بازار و در یک محیط اقتصادی جهانی جهت سرمایه‌گذاری و تجارت در راستای منافع ملی فعالیت می‌کند. پیوند و همکاری نزدیک میان دولت و بخش خصوصی خود یکی از ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌خواه است» (موثقی، ۱۳۸۷: ۱۸۴). تجربه چینی‌ها در این زمینه مؤید این امر است. آنها بر این باورند که مبنای قدرت ملی، اقتصاد است. بر همین مبنای، امروز ۶۰۰ میلیارد دلار با امریکا تجارت دارند؛ بنابراین، در ایران نیز باید بنگاه‌های اقتصادی از فرصت برداشته‌شدن تحریم‌ها نهایت استفاده را ببرند. حتی یک ارتباط خارجی برای آنها می‌تواند کلیدی باشد (سریع‌القلم/ ۱۳۹۴/۱۱/۱۷).

از طرفی دیپلماسی اقتصادی می‌تواند از طریق ارتباط با مراکز ثروت و قدرت در دنیا، زمینه آزادسازی اقتصادی را تسهیل کند. در راستای آزادسازی اقتصادی، عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی امری بسیار ضروری است. همچنین نظارت کامل بر اجرای صحیح سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ با هدف تقویت بخش خصوصی در کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باید بخش خصوصی را در خدمت به اقتصاد ملی تقویت کرد (خلیلی، ۱۳۹۴: ۱۵). در کل باید گفت یک دیپلماسی اقتصادی قوی مبتنی بر وجود گروهی مناسب و شایسته و همکاری نخبگان صنعتی و تجاری از بخش خصوصی و نیز هماهنگی وزارتخانه‌های امور خارجه، صنایع و بازرگانی و اقتصاد و دارایی است (موثقی، ۱۳۸۷: ۲۱۰).

۲-۳. دستیابی به علم و فناوری

دستیابی به علم و فناوری نیز یکی از اهداف اصلی دیپلماسی اقتصادی در راستای قدرتمندی کشور است. پیشرفت‌های علمی باید ثروت‌زا باشد. امروزه کشورهای پیشرفته بر علمی سرمایه‌گذاری می‌کنند که باعث تولید ثروت می‌شود. از آنجایی که ایران در زمینه علم و فناوری فاصله زیادی با کشورهای توسعه‌یافته دارد، می‌توان از طریق دیپلماسی اقتصادی و علمی و جذب فناوری‌های پیشرفته این فاصله را کم کرد. همچنین می‌توان از این طریق برای دستاوردهای علمی و فناوری در کشورهای در حال توسعه، بازار مصرف پیدا کرد.

«پیشرفت‌های علمی و فناوری ایران می‌تواند به منبعی برای الهام‌بخشی نه تنها در جهان اسلام بلکه در جهان سوم [در کشورهای در حال توسعه] تبدیل شود. دیپلماسی علم و فناوری می‌تواند حرکت‌های بسیار مهمی در تبدیل شدن ایران به مرجعیت علمی و فناوری در جهان اسلام انجام دهد» (موسوی‌موحدی، ۱۳۹۱: ۷۵). ذکر این نکته لازم است که در پیش‌گرفتن دیپلماسی اقتصادی نیز مستلزم در اختیار داشتن فناوری‌های مدرن و جدید برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری است. ایران علاوه بر این که در ایجاد فناوری بومی توفیق کمی داشته است، در بحث انتقال فناوری نیز با مشکلات زیادی مواجه بوده است. یکی از اصلی‌ترین عوامل عدم توفیق در انتقال فناوری، غیبت یا حضور ضعیف اقتصاد و بنگاه‌های تولیدی ایران در عرصه جهانی است. در دنیای جهانی‌شده، فناوری به عنصر مهمی برای رقابت و شکوفایی شرکت‌ها تبدیل شده است. رکن آمادگی فناورانه بیانگر میزان چابکی اقتصادها در جذب فناوری‌های موجود به‌منظور ارتقای بهره‌وری صنایع خود است (دهقانی فیروزآبادی و صالحی، ۱۳۹۱: ۱۰۷). اهمیت علم و فناوری از آنجا مهم است که براساس تجارب بشری در اختیارگرفتن علم و فناوری، تولیدکنندگان را تقویت و سپس جامعه را قدرتمند کرده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۵۴). باید گفت توسعه علمی، مهم‌ترین بعد توسعه است و پایه‌ای برای سایر ابعاد توسعه به شمار می‌آید. تقویت این پایه نیازمند بهره‌گرفتن از امکانات و قابلیت‌های نهادهای بین‌المللی فعال در این عرصه است.

۲-۴. سیاست تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز

راه پیشرفت و قدرتمندی ایران در این است که برنامه مشخصی برای ارتباط با قدرت‌های بزرگ، نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های بزرگ چندملیتی طراحی شود. دیپلماسی اقتصادی از طریق فراهم کردن زمینه همکاری‌های اقتصادی با دولت‌ها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، همکاری با سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی، می‌تواند باعث حل تعارضات با نظام بین‌الملل، همزیستی مسالمت‌آمیز و تنش‌زدایی با کشورهای دیگر شود. در یک محیط بی‌ثبات، اقتصاد رونق نخواهد گرفت؛ ضمن این که سرمایه نیز به سمتی سوق پیدا می‌کند که امنیت وجود داشته باشد. جریان جهانی سرمایه در مناطقی متمرکز شده که امنیت بلندمدت در آنجا حاکم است. از جمله این مناطق می‌توان به منطقه آسیا-پاسفیک، اروپای غربی، آمریکای شمالی، کشورهای مانند چین، تایوان، هنگ‌کنگ، مالزی، ژاپن، کره جنوبی، بخش‌هایی از هند و امارات اشاره کرد. از طریق دیپلماسی اقتصادی و حل‌وفصل تعارضات با کشورهای تأثیرگذار جهانی، می‌توان محیط پیرامونی ایران را باثبات‌تر کرد تا زمینه جذب سرمایه، همکاری اقتصادی، تجارت کالا و خدمات فراهم شود. به‌طور کلی، براساس منطق همزیستی مسالمت‌آمیز،

کشورها در عین حفظ هویت و پیگیری اصول و منافع ملی خود، حقوق و منافع دیگران را به رسمیت شناخته و با پرهیز از مطلق‌انگاری سیاسی تلاش می‌کنند هویت خود را نه بر پایه کشمکش با دیگران، بلکه بر مبنای منافع مشترک و همسانی با آنها تعریف کنند (دهقانی، ۱۳۸۷: ۳۶۶-۳۶۷). در این باره رئیس‌جمهور حسن روحانی بر این باور است که «با دنیا باید با منطق، استدلال و با در نظر گرفتن منافع ملی و قدم‌به‌قدم مفاهمه کرد» (روحانی، ۱۳۸۷: ۲۲).

۲-۵. اجماع در سیاست خارجی پیشرفت‌محور بین نهادهای تصمیم‌گیر

یکی از آفات و چالش‌های جدی مسیر پیشرفت ایران، موازی‌کاری در حوزه سیاست خارجی کشور است. به طوری که علاوه بر وزارت امور خارجه که مسئولیت امور خارجی کشور را بر عهده دارد، نهادها و سازمان‌های مختلف به طور مستقل و بعضاً ناهماهنگ با وزارت خارجه در مسائل مربوط به سیاست خارجی اظهار نظر می‌کنند. این مسئله سبب تحمیل هزینه‌های زیادی به منافع ملی کشور می‌شود. در راستای حل این معضل، می‌توان در سطح ملی و با هماهنگی همه نهادهای دخیل دولتی و خصوصی و با مدیریت وزارت امور خارجه، فرایند تصمیم‌گیری در امور سیاست خارجی کشور را به گونه‌ای سامان داد تا در سیاست خارجی کشور اجماع شکل گیرد. برای دستیابی به اجماع در سیاست خارجی ایران، فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در دستگاه سیاست خارجی باید به صورت دموکراتیک و با در نظر گرفتن منافع بخش خصوصی و مشارکت نخبگان و صاحب‌نظران این حوزه انجام گیرد. بدون مشارکت متخصصان سیاست خارجی و همراهی بخش خصوصی نمی‌توان دیپلماسی اقتصادی مؤثری در پیش گرفت. «مارتینسن، اقتصاددان برجسته و برنده جایزه نوبل، معتقد است که دستگاه‌های بسته بیشتر اشتباه می‌کنند، زیرا در فضایی بسته تصمیم می‌گیرند، جریان آزاد اطلاعات در آنها وجود ندارد، پاسخگویی ضعیف است و از اشتباهات خود نمی‌آموزند. در کارآمد کردن دستگاه‌های سیاست خارجی نیز، پایه مهم مباحث نظری، متنوع کردن جریان اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی و در معرض مشاوران و اندیشمندان مختلف قرار گرفتن، بوده است» (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۵۷).

۲-۶. بهبود تصویر کشور و استفاده از ظرفیت فضای مجازی

یکی از مسائلی که دیپلماسی اقتصادی در سطح بین‌المللی به ارتقای آن کمک می‌کند، بهبود تصویر کشور است. با در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی، همگرایی بیشتر با اقتصاد جهانی، افزایش رفت‌وآمدهای تجاری، جذب سرمایه‌های خارجی، حضور بیشتر شرکت‌های چندملیتی در ایران، جذب گردشگر، به تدریج تصویر کشور در سطح افکار عمومی دنیا از ذهنیت امنیتی به ذهنیت مثبت تغییر خواهد یافت؛ به طوری که افکار عمومی دنیا اصلاح خواهد شد. ضمن اینکه

در نتیجه رشد اقتصادی، همگرایی با اقتصاد جهانی، کاهش فقر، بیکاری، ناهنجاری‌های اجتماعی، شفافیت در مسائل مالی، افزایش رضایت مردم و غیره، ظرفیت جامعه نیز جهت تعامل بیشتر با دنیا و کسب اعتبار جهانی بهبود خواهد یافت و این مسئله به‌نوبه خود در سیاست خارجی و به‌تبع آن در افزایش قدرت ملی ایران تأثیر مثبتی خواهد گذاشت. باید گفت که «سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است. به میزانی که مردم یک کشور از رفاه، سعادت، آرامش، اخلاق، مدنیت و آینده‌ای روشن‌تر برخوردار باشند، به همان میزان در سطح جهانی و منطقه‌ای اعتبار کسب می‌کنند. مهم‌ترین ابزار آزمایش موفقیت‌های سیاست خارجی در این است که پایگاه اجتماعی داشته باشد» (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۵۶). مادامی که تصویر مخدوشی از ایران در عرصه بین‌المللی وجود داشته باشد، پیشبرد توسعه اقتصادی بسیار دشوار است. از وجه ایجابی نیز مشارکت فعال در فعالیت‌های بین‌المللی و ایجاد هماهنگی میان راهبردهای سیاست خارجی و مقتضیات نظام بین‌الملل ضروری است، زیرا نخست پیشبرد توسعه بدون امکانات بین‌المللی امکان‌پذیر نیست و دوم، انزوا در هیچ شرایطی به سود منافع کشور نیست (واعظی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۹۲)؛ بنابراین، بهبود تصور ایران نزد افکار عمومی جهانی از الزامات پیشرفت ایران و قدرت‌یابی آن است. در این راستا، توجه ویژه به ظرفیت فضای مجازی در بهبود تصویر کشور و دستیابی به اهداف سیاست خارجی بسیار ضروری است. امروزه کنترل داشتن بر فضای مجازی و استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای، تأثیر مهمی در نفوذ کشورها در افکار عمومی جهانی دارد. دولت حسن روحانی و وزارت امور خارجه به مدیریت محمدجواد ظریف هم‌زمان با دیپلماسی فعالانه، توجه جدی به استفاده از ظرفیت فضای مجازی در بهبود تصویر کشور داشته است. فضای مجازی این امکان را فراهم می‌کند که دولت بتواند با کمترین هزینه و بیشترین دستاورد افکار عمومی جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. افزایش قابل توجه گردشگران خارجی در ایران، محصول استفاده هوشمندانه دست‌اندرکاران دستگاه سیاست خارجی از فضای مجازی و به‌تبع آن بهبود تصویر کشور در دنیا است.

۲-۷. همگرایی با اقتصاد جهانی، توسعه صادرات و تجارت الکترونیک

یکی از الزامات قدرت‌یابی ایران در نظام بین‌الملل، همگرایی با اقتصاد جهانی است. در عصر جهانی‌شدن، نمی‌توان یک کشور تأثیرگذار و قدرتمندی را تصور کرد که با اقتصاد جهانی ارتباط تنگاتنگی نداشته باشد. همگرایی با اقتصاد جهانی نیازمند به‌کارگیری دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی، تقویت بخش خصوصی در اقتصاد کشور و ارتقای استانداردهای ملی برای هم‌سطح‌شدن با کشورهای توسعه‌یافته است. از طرفی سامان‌دهی وضعیت اقتصادی کشور در صورتی ممکن است که ارتباط منسجم و قاعده‌مندی با دنیا با هدف اخذ فناوری و

جذب سرمایه برقرار شود. «رشد بخش خصوصی در گرو تعامل با اقتصاد جهانی است. تا اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی پیوند نخورد، پیشرفت امکان‌پذیر نخواهد بود. هیچ کشوری در دنیا با اتکا صرف به منابع داخلی به توسعه دست‌نیافته است. اقتصاد از قواعد یکسانی تبعیت می‌کند. در حال حاضر ج.ا.ایران، دیپلماسی اقتصادی ندارد. بهترین سال‌ها برای دیپلماسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب، دوره دوم دولت اصلاحات یعنی سال‌های ۸۰ تا ۸۴ بوده است که هم با اتحادیه اروپا مذاکره اقتصادی داشتیم و هم توانستیم عضویت ناظر را در سازمان جهانی تجارت به دست بیاوریم» (امیدبخش، ۱۳۹۴: ۱۹). همچنین باید گفت که در شرایط تحریم و انزوای جهانی نمی‌توان دیپلماسی اقتصادی دنبال کرد. با در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی، برخی اصلاحات اقتصادی باید انجام شود که مهم‌ترین آنها عبارت است از: تمرکز فرایند خط‌مشی‌گذاری تجاری با رویکرد توسعه صادرات، توجه به جایگاه کشور در تقسیم‌کار جهانی و شناسایی مزیت‌های نسبی ملی در تولید کالاها و خدمات، کاهش دخالت دولت در تنظیم قیمت‌ها و توجه به سازوکار عرضه و تقاضا، حذف تدریجی موانع تعرفه‌ای، پیگیری جدی مذاکرات پیوستن به سازمان تجارت جهانی، برنامه‌ریزی برای خصوصی‌سازی رقابتی در مورد صنایع دولتی نظیر خودروسازی، پتروشیمی، صنایع معدنی، بانکی، بیمه‌ای و تخصیص تسهیلات و سرمایه‌گذاری در صنایعی که توان صادراتی دارند، آزادسازی اقتصاد در ابعاد گوناگون تجاری، مالی، ارزی و سرمایه‌ای در میان‌مدت و بلندمدت، کاهش سهم تولید دولتی در تولید ناخالص ملی با کاهش هزینه‌های دولت در مواردی نظیر واگذاری شرکت‌های دولتی به صورت رقابتی، جلب سرمایه‌گذاری (مستقیم) خارجی با ارائه تسهیلات ارزشمند نظیر حق مالکیت زمین، جابه‌جایی آزادانه اصل و فرع سرمایه و پرهیز از نگاه امنیتی به سرمایه‌گذار خارجی، پذیرش رویه‌ها و استانداردهای بین‌المللی و جهانی و سازمان تجارت جهانی در تنظیم خط‌مشی‌ها، قوانین و مقررات بانکی و بیمه‌ای، فراهم کردن زمینه‌های ظهور صنایع بخش غیردولتی در بازارهای جهانی از طریق سازوکارهای دیپلماتیک و الزام وزارت خارجه و سایر سازمان‌های مرتبط در همکاری همه‌جانبه با بخش خصوصی (مولانژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۶). باید گفت یکی از الزامات قدرتمندی ایران، کاهش وابستگی به نفت و گاز و افزایش صادرات غیرنفتی در یک محیط رقابتی و گسترش تجارت الکترونیک است. «مفهوم رقابت‌پذیری از کلیدی‌ترین مفاهیم عرصه اقتصاد بین‌الملل و دیپلماسی اقتصادی است. مجمع جهانی اقتصاد سطح رقابت‌پذیری کشورها را منعکس‌کننده توان آنها در تأمین و افزایش رفاه برای اتباع خود می‌داند. اقتصادهایی که رقابت‌پذیر هستند، سطح بالاتری از درآمد را برای شهروندان خود ایجاد می‌کنند» (دهقانی و صالحی، ۱۳۹۱: ۹۵).

امروزه تعامل با اقتصاد جهانی نسبت به دو دهه پیش شکل جدیدی به خود گرفته است و دیگر تجارت به شکل سنتی، جوابگوی حجم عظیم مبادلات تجاری نیست. در راستای ارتقای قدرت ملی کشور، توسعه و گسترش تجارت الکترونیک ضرورتی اجتنابناپذیر است. مسیر رونق اقتصاد ایران در تنوع‌پذیری صادرات و تأکید بر صادرات محصولاتی با مزیت‌های نسبی و رقابتی پتروشیمی، معدن و صنایع معدنی، صنایع غذایی و جلوگیری از قاچاق کالا و الکترونیکی کردن نظام واردات و صادرات است. همچنین لازمه رونق اقتصادی ایران بازسازی و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی کشور اعم از حمل‌ونقل جاده‌ای، هوایی، دریایی و استفاده از جدیدترین سیستم‌های تجارت الکترونیکی است. رئیس‌کل سازمان توسعه تجارت ایران در خصوص وضعیت گمرک کشور گفته است که «چنانچه بندرعباس را با تایوان، مالزی و امارات مقایسه کنیم، بررسی‌ها نشان می‌دهد زمان انتظار برای یک کشتی در تایوان ۹ دقیقه، در مالزی ۱۸ دقیقه، در امارات ۴ دقیقه و در بندرعباس هم ۴ دقیقه است. در حالی که مدت زمان تخلیه و بارگیری در تایوان بالغ بر ۵ ساعت، مالزی ۳ ساعت، در جبل علی امارات ۴ ساعت و در ایران ۴ روز و ۹ ساعت و ۴۵ دقیقه است» (افخمی‌راد، ۱۳/۱۰/۱۳۹۴). این وضعیت چندان با اهداف پیشرفت کشور سازگار نیست. در راستای توسعه و پیشرفت کشور باید وضعیت زیرساخت‌های اقتصادی کشور در حد استانداردهای جهانی اصلاح شود و گسترش تجارت الکترونیک در اولویت برنامه‌های دولت قرار گیرد. از جمله مزایایی که می‌توان برای تجارت الکترونیک برشمرد عبارت است از: حذف محدودیت‌های مکانی و زمانی، کاهش هزینه‌های تولید و تجارت، حذف واسطه‌ها، افزایش فروش و رونق صادرات، دسترسی آسان به اطلاعات، شفافیت، انطباق تجارت کشور با شرایط جهانی.

۲-۸. استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منحصر به فرد

موقعیت جغرافیایی ایران به‌گونه‌ای است که از ناحیه غرب و شمال غرب با ترکیه، آذربایجان، ارمنستان، عراق، از طرف جنوب به خلیج فارس و کشورهای عربی و مسلمان حاشیه خلیج فارس، از طرف شرق و شمال شرق با کشورهای پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان همسایه است که این وضعیت ایران را به قدرت بالقوه بین‌المللی در منطقه و جهان تبدیل کرده است. این موقعیت جغرافیایی در صورت برنامه‌ریزی و مدیریت درست قطعاً یک فرصت منحصر به فرد خواهد بود. تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی، می‌توانند با محوریت قرار دادن دیپلماسی اقتصادی بستر لازم برای بهره‌برداری از این موقعیت ویژه را فراهم آورند. «در مجموعه (منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا) ایران منحصراً تنها کشوری است که در سطح داخلی خود تمامی بنیان‌های انسانی، محیطی، سرزمینی، جغرافیایی و منابع طبیعی را برای

قدرتمند شدن و تولید داراست و پتانسیل عظیمی در آن وجود دارد که به کشور صاحب نفوذ مالی و اقتصادی و در نتیجه سیاسی و فرهنگی تبدیل شود» (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۶۹)؛ اما این مسئله بستگی به نگرش نخبگانی دارد که به ظرفیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی کشور واقف باشند.

۲-۹. جذب سرمایه‌های خارجی

اساساً پیشرفت و توسعه در شرایط انزوا بی‌معنی است. بدون جذب سرمایه و فناوری خارجی نمی‌توان به توسعه کشور پرداخت. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان یک بخش جدایی‌ناپذیر نظام اقتصاد بین‌المللی باز، مؤثر و کارآمد است و عامل مهمی در دستیابی به توسعه محسوب می‌شود. اقتصادهای در حال ظهور و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذر تلاش کرده‌اند تا به‌طور وسیع از طریق دیپلماسی اقتصادی کارآمد، سرمایه‌های خارجی را در کشور خود جذب کنند؛ چراکه این می‌تواند به‌عنوان یک منبع و موتور رشد و مدرنیزه کردن فضای اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد (دهقانی و صالحی، ۱۳۹۱: ۹۱). منطق توسعه، منطق کار، تولید و انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری است که در اصل باید توسط ابتکار آزاد؛ خردورزانه، علمی و رقابتی افراد و گروه‌های مردم و بخش خصوصی در چارچوب قانون و با حمایت و هدایت و نظارت دولت توسعه‌خواه صورت گیرد (موتقی، ۱۳۸۷: ۱۰). همچنین ایجاد و توسعه بازارهای بین‌المللی سرمایه و انرژی از مهم‌ترین پیش‌زمینه‌های پیشرفت دیپلماسی اقتصادی کشور و تعالی روابط سیاسی، اقتصادی و مالی در سطح منطقه و جهان است. در این راستا، سه عامل در تعیین محل موردنظر برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش اساسی دارند: (۱) سیاست‌های کشور میزبان؛ (۲) حمایت فعال کشورها به‌منظور توسعه و تسهیل سرمایه‌گذاری؛ (۳) ویژگی‌های اقتصادی کشور میزبان (گزارش فرابورس، ۱۳۹۲: ۵-۳). با توجه به این مسائل می‌توان گفت که بدون ایجاد بستر و شرایط مناسب و اثبات برای جذب سرمایه خارجی و بهبود محیط کسب کار در ایران نمی‌توان انتظار داشت که جریان مالی جهانی به‌سوی ایران سرازیر شود. در تأیید این مسئله سریع‌القلم براساس تجارب خود از اجلاس‌های سالیانه داوس بر این باور است که ساختار عمرانی، بوروکراسی، نظام بانکی و گمرکی ایران آمادگی سرمایه‌گذاری به‌صورت گسترده را ندارد» (سریع‌القلم، ۱۳۹۴/۱۱/۱۷). در این زمینه، برخی از موانع درونی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران عبارت است از: خطر سرمایه‌گذاری در شرایط عدم ثبات، موانع و محدودیت‌های قانونی و حقوقی در برابر سرمایه‌گذار خارجی، مقررات و بوروکراسی اداری پیچیده و توسعه ناکافی بازار مالی به علت محوریت نظام بانکی. همچنین برخی از مهم‌ترین موانع بیرونی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شامل این موارد است: انفعال دیپلماسی اقتصادی

در سیاست خارجی ج.ا.ایران، تحریم‌ها و جریمه‌های تنبیهی برای سرمایه‌گذاری در ایران، کمبود ارتباط مؤثر با فعالان اقتصادی خارجی، فقدان بانک داده‌ای به‌روز و عدم شفافیت اطلاعاتی، عدم شناخت سرمایه‌گذاران خارجی از موقعیت‌های سرمایه‌گذاری در ایران، عدم آگاهی از شرایط سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه ایران به‌عنوان یکی از سودآورترین‌ها در جهان و عدم شناخت صحیح از شرایط فرهنگی، گردشگری، تجاری و اقتصادی ایران (گزارش فرابورس، ۱۳۹۲: ۷). با توجه به این مشکلات، باید گفت که از حیاتی‌ترین اقداماتی که لازم است در دستور کار دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی توسعه کشور قرار گیرد، توجه ویژه به دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی با هدف جذب سرمایه و فناوری پیشرفته است.

۲-۱۰. به‌کارگیری دیپلماسی انرژی

تضمین امنیت انرژی و حضور در بازارهای جهانی نفت و گاز یکی از ضرورت‌های مسیر پیشرفت ایران است. این مهم در صورتی اتفاق می‌افتد که در سیاست خارجی ایران، توجه ویژه‌ای به دیپلماسی انرژی صورت گیرد. «دیپلماسی انرژی به معنای آن است که بتوان زمینه‌های لازم برای عبور از محدودیت‌های تکنولوژیک، بازاریابی، استخراج، اکتشاف و سرمایه‌گذاری انرژی را فراهم کرد. اتخاذ دیپلماسی انرژی صحیح، همان قدر می‌تواند به ارتقای جایگاه ملی و بین‌المللی ایران و حضور فعال آن در عرصه جهانی بیانجامد که کم‌توجهی به آن می‌تواند بازماندگی از مسیر توسعه و قدرت‌یابی را به همراه داشته باشد» (متقی، ۱۳۹۳: ۱۶). دیپلماسی انرژی در هر کشور، مجموعه‌ای از راهبردها، روش‌ها و تدابیری است که در رابطه با مدیریت کلان توسعه منابع انرژی، تولید، مصرف و تجارت حامل‌های انرژی در بستر رقابت و همکاری با دیگر بازیگران این عرصه اتخاذ می‌شود و هدف آن بهره‌برداری از فرصت‌ها و بیشینه‌کردن منافع از یک‌سو و رفع تهدیدها و کمینه‌سازی آسیب‌ها از سوی دیگر است (اسلامی، ۱۳۹۱: ۲۱۷). دیپلماسی انرژی می‌تواند زمینه‌های لازم برای تحقق وابستگی متقابل پیچیده بین ایران و اقتصاد جهانی را فراهم آورد (Mayers, 2004: 239). از جمله اهداف دیپلماسی انرژی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تلاش در جهت احراز جایگاه شایسته در بازار انرژی با توجه به شرایط رقابتی بازار انرژی در اقتصاد جهان؛
- ثبت تحولات مربوط به بازار انرژی از طریق بررسی مداوم بازار انرژی و سیاست‌های تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان؛
- تلاش در جهت جذب بازار مصرف‌کنندگان انرژی مثل هند، چین و برزیل که در حال ورود به دایره قدرت‌های بزرگ اقتصادی هستند.

- افزایش و تقویت همکاری با دیگر تولیدکنندگان انرژی منطقه‌ای (متقی، ۱۳۹۳: ۱۷). علاوه بر آن، مزایای نسبی و امتیازات ثابت ناشی از جغرافیای سیاسی و اقتصادی ایران، دسترسی به آب‌های آزاد و تأثیرگذاری بی‌بدیل بر حفظ امنیت تنگه راهبردی هرمز، داشتن پانزده کشور، برخورداری از زیرساخت‌های قابل‌اتکا برای تولید و انتقال نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی، دارابودن نیروی انسانی ماهر و متخصص در صنایع نفت و گاز و تقاضاهای بالفعل و بالقوه کشورهای مختلف آسیایی، اروپایی و عربی به نفت و گاز ایران، در مجموع شرایط بسیار مساعدی برای اجرای یک برنامه دیپلماتیک در عرصه انرژی فراهم آورده است (اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۹۷). به‌کارگیری همه از این ظرفیت‌ها تنها در صورتی امکان‌پذیر است که در چارچوب منافع ملی، دیپلماسی انرژی منسجمی در پیش گرفته شود. بدون به‌کارگیری دیپلماسی انرژی برنامه‌ریزی شده، بسیاری از فرصت‌های موجود در انرژی ایران و بازارهای مصرف جهانی از بین خواهد رفت. چرا که رقبای ایران در منطقه و جهان از جمله عربستان، روسیه، قطر، عراق و دیگران به‌طور سیری‌ناپذیر در حال تسخیر بازارهای جهانی انرژی هستند. باید گفت که ایران برای قدرتمند شدن، بیشتر لازم است که بر روی ظرفیت‌های خود اتکا کند. دیپلماسی انرژی در این راستا می‌تواند موجب تسهیل ورود سرمایه به حوزه نفت و گاز کشور شود و همچنین بازارهای جهانی مناسبی برای فرآورده‌های نفت و گاز ایران بیابد. به‌ویژه اینکه بعد از برجام و برداشته شدن تحریم‌های بین‌المللی، زمینه برای توسعه صنعت نفت و گاز ایران فراهم شده است.

۲-۱۱. همکاری با کشورهای توسعه‌یافته؛ با رویکرد چندجانبه‌گرایی

یکی دیگر از پیش‌شرط‌هایی که در افزایش قدرت ایران در عصر جهانی شدن باید به آن توجه شود، در پیش‌گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، همکاری نزدیک با کشورهای توسعه‌یافته و تبدیل تعارض به اختلاف در روابط با ابرقدرت‌ها است. در این زمینه، پیگیری دیپلماسی اقتصادی می‌تواند بسیار مفید واقع شود. چرا که قدرت‌هایی مثل آمریکا، اتحادیه اروپا، آلمان، انگلیس، فرانسه، چین، ژاپن، روسیه نگاه اخلاقی و انسان‌دوستانه به مسائل بین‌المللی ندارند؛ ماهیت این کشورها و نظام سیاسی آنها سرمایه‌داری است، بنابراین در روابط بین‌الملل با منطقی‌هزینه-فایده و تأمین منافع ملی خود تصمیم‌گیری می‌کنند. براین اساس، ایران در مسیر قدرت‌یابی خود می‌تواند با حفظ هویت خود و با در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی و با توجه به قواعد بازی در نظام و روابط بین‌الملل، همکاری‌های مسالمت‌آمیزی با کشورهای توسعه‌یافته داشته باشد. بدون ارتباط با قدرت‌های بزرگ و حل تعارضات با آنها، تبدیل شدن به کشوری قدرتمند در عرصه جهانی مقدور نیست. چرا که تعارض و دشمنی با

ا بر قدرت هزینه‌های بسیار سنگینی به منافع و امنیت ملی تحمیل می‌کند. «بعد از انقلاب و در طول دهه‌های گذشته، مهم‌ترین مانع خارجی در مسیر تحقق توسعه اقتصادی ایران، تعارض بین ج.ا.ایران و قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده بوده است. ایالات متحده با ایجاد انواع محدودیت‌های توسعه‌ای از یک سو و فشار شدید بر سایر کشورها باعث شده است تا پیشبرد توسعه در کشور با مشکلات عدیده‌ای مواجه شود» (واعظی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰۰).

۲-۱۲. نفوذ در کشورهای در حال توسعه

امروزه کشورهای توسعه‌یافته در تسخیر بازارهای جهانی و استفاده از ظرفیت آنها در جهت تقویت بیشتر خود رقابت سرسختانه‌ای دارند. چین نمونه بارزی از این کشورهاست که با اعطای وام و سرمایه‌گذاری، نفوذ زیادی در بازارهای جهانی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه دارد. با توجه به دغدغه‌ها و مسائل فراروی کشورهای در حال توسعه، دیپلماسی اقتصادی مناسب‌ترین رویکرد برای نفوذ در این کشورهاست. کشورهای در حال توسعه از نظر مواد اولیه ارزان، بازار مصرف گسترده، تجارت، سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی، آراء و وزن سیاسی در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، کسب وجهه بین‌المللی و غیره برای قدرت نوظهوری مثل ایران فرصت ویژه‌ای محسوب می‌شوند. در این راستا، ظرفیت دیپلماسی رسانه‌ای و فضای مجازی نیز می‌تواند برای دستگاه سیاست خارجی بسیار راهگشا باشد.

۲-۱۳. همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

یکی از راهبردهایی که در افزایش قدرت ملی هر کشوری تأثیرگذار است، استفاده از ظرفیت نهادهای بین‌المللی است. براساس تجارب جهانی، توسعه‌یافتگی بدون توجه به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. از دید نظریه‌های لیبرالیستی در روابط بین‌الملل، امروزه سازمان‌های بین‌المللی پا به پای دولت‌ها در معادلات جهانی نقش ایفا می‌کنند. «حضور و تأثیرگذاری در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، نخست باعث می‌شود تا از تأثیرات سوء تصمیمات این نهادها بر منافع ملی تاحدی جلوگیری به عمل آید و دوم از امکانات و قابلیت‌های آنها چه در حوزه هنجارسازی و چه در حوزه کمک‌های فنی و تخصصی بهره‌برداری شود. ایران برای نیل به اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله به‌شدت نیازمند ثبات در محیط امنیتی خویش است. سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در این زمینه می‌توانند تأثیرگذار باشند (واعظی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰۱). با در پیش گرفتن رویکرد ایدئولوژیک و امنیتی در سیاست خارجی، نمی‌توان از ظرفیت و توان نهادهای بین‌المللی برای توسعه و افزایش قدرت اقتصادی بهره برد؛ اما با تغییر رویکرد امنیتی به رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی ایران، زمینه برای همکاری با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان تجارت جهانی، اگو، دی-۸، اتحادیه اقیانوس

هند، سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد، آسه‌آن، شانگهای و نهادهای غیردولتی و خصوصی مهیا می‌شود. با اینکه سازمان تجارت جهانی ۱۶۳ عضو دارد، متأسفانه ایران جزء معدود کشورهایی است که هنوز عضو این سازمان نیست. تأخیر در عضویت در این سازمان، لطمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور وارد می‌کند. با توجه به مفروضات رویکرد دیپلماسی اقتصادی، هدف از همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی، نهادینه کردن نگرش اقتصادی در همکاری‌ها و بیشینه‌سازی منافع تجاری کشور، کاهش تعرفه‌ها، حذف موانع غیرتعرفه‌ای در راستای افزایش قدرت ملی ایران است.

۲-۱۴. باثبات‌سازی محیط پیرامون ایران

براساس نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل، جریان جهانی سرمایه به محیطی سوق پیدا می‌کند که به لحاظ امنیتی افق روشنی در پیش داشته باشد و همچنین فضای کسب‌وکار اقتصادی در آن شفاف و مهیا باشد. در راستای افزایش قدرت ملی ایران ضرورت دارد که محیط پیرامون کشور ثبات کافی برای سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی داشته باشد. این مسئله در صورتی ممکن است که نظام امنیت جمعی با مشارکت کشورهای هم‌جوار در منطقه حاکم شود. ضمن اینکه توان نظامی کشور نیز با توجه به موقعیت خاص ایران، بدون ایجاد تنش و نگرانی در منطقه تقویت گردد. «کشوری که پیشبرد توسعه را گزینه استراتژیک خود قرار دهد، نیازمند محیط امنیتی باثبات است؛ زیرا بین ثبات و امکان پیشبرد توسعه رابطه مستقیمی وجود دارد. اگر آشوب و اغتشاش روند مسلط در محیط امنیتی یک بازیگر باشد، طبیعی است که بخش اصلی زمان و توان آن بازیگر صرف مقابله با تهدیدات محیطی می‌شود و فرصتی برای پیشبرد توسعه باقی نمی‌ماند.» (واعظی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹۳). بنابراین ضمن تقویت توان دفاعی کشور با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و با همکاری کشورهای توسعه‌یافته، باید از طریق پیگیری نظام امنیت جمعی در منطقه به ثبات بیشتر در محیط پیرامونی ایران دست یافت. از آنجا که تقویت همگرایی اقتصادی در منطقه به تدریج بستر لازم را برای همکاری‌های سیاسی امنیتی فراهم می‌آورد، براین مبنا رویکرد دیپلماسی اقتصادی می‌تواند در دستیابی به این همگرایی اقتصادی و به تبع آن ثبات در محیط اطراف ایران مؤثر واقع شود.

فرجام

در این مقاله به بررسی دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان رهیافتی که افزایش قدرت ملی و پیشرفت ایران را در پی دارد، پرداخته و مؤلفه‌ها و راهبردهای آن تشریح شد. از آنجایی که هدف از الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تدوین طرحی جامع در خصوص پیشرفت و آبادانی ایران با توجه به بستر ملی و هویتی و با مشارکت نخبگان است، بنابراین در این الگو قاعده‌تاً باید سهم

مهمی برای سیاست خارجی پیشرفت‌محور در نظر گرفته شود. چرا که بدون ارتباط با دنیا و بدون سیاست خارجی پیشرفت‌محور و صرفاً با تکیه بر توانمندی داخلی نمی‌توان به پیشرفت رسید. روشن است که یک اقتصاد قدرتمند در تعامل جهانی شکل می‌گیرد. براین اساس، نقدی که به سند الگوی پایه پیشرفت می‌توان وارد ساخت، این است که با وجود اینکه هدف این سند تدوین راهنمایی برای پیشرفت ایران است، اما مطالعه این سند، به‌خصوص بندهای ۱۴ و ۱۶ بخش افق نشان می‌دهد که در پیش‌گرفتن سیاست خارجی پیشرفت‌محور و دیپلماسی اقتصادی که لازمه قدرتمندی ایران است، در آن نادیده گرفته شده است.

در بند ۱۴ بخش افق سند، دغدغه حفظ حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت سرزمینی و امنیت ملی به‌خوبی ذکر شده است.^(۱) اما در تدابیر ذیل این بند، مواردی ذکر شده است که براساس نگرش سخت‌افزاری و امنیتی به تأمین امنیت، استقلال و حاکمیت ملی تدوین شده و راهکارهای نرم‌افزاری و اقتصادمحور در این بخش نادیده گرفته شده است. این در حالی است که امروزه مفاهیمی مانند حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت سرزمینی و امنیت ملی با توجه به فرایند جهانی‌شدن با تحول مفهومی جدی مواجه شده‌اند و نمی‌توان با ذهنیت مربوط به دوره جنگ سرد امنیت ملی را به دست آورد. همچنین در بند ۱۶ بخش افق نیز به این مسئله پرداخته شده که ج.ا.ایران در جهان اسلام عامل وحدت و اخوت، در منطقه پیرامونی عامل ثبات و در سطح بین‌الملل، عدالت‌خواه و صلح‌جو خواهد بود.^(۲) در این بند اهدافی مثل عدالت‌خواهی، صلح‌جویی، تحکیم اتحاد جهان اسلام بسیار پسندیده است، اما باید گفت برخی از تدابیر ارائه‌شده با یکدیگر در تعارض جدی قرار دارند. برای مثال تدبیر «ائتلاف‌سازی و مجموعه‌سازی در منطقه و محیط بین‌الملل و اصلاح نظامات بین‌المللی» با تدبیر «تعامل سازنده با کشورهای غیرمتخاصم و کمک به حاکمیت و صلح بین‌المللی» در اجرا و واقعیت در یک راستا نیست. کشوری که خواستار اصلاح نظامات بین‌المللی است به این معنی است که دنبال سیاست تغییر وضع موجود است. این کشور نمی‌تواند هم‌زمان سیاست تعامل سازنده با دنیا داشته باشد. تجربه گذشته نیز نشان‌دهنده این است که پیگیری این دو رویکرد در عمل امکان‌پذیر نیست و باعث تحمیل هزینه‌های زیادی به منافع ملی می‌شود.

نکته دیگر اینکه در تدابیر ذیل بند ۱۶ بخش افق، بهتر است علاوه بر دغدغه‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی - دینی، اهداف اقتصادی و مؤلفه‌های دیپلماسی اقتصادی نیز لحاظ شود. در دنیای حاضر نمی‌توان کشوری را یافت که بدون در پیش‌گرفتن رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی به توسعه دست یافته باشد. اگر در مقطعی، کشوری مثل روسیه با تکیه صرف بر بعد نظامی - امنیتی به وزن بیشتری در عرصه جهانی دست یافته، دلیل بر موفقیت این کشور نیست؛ چرا که در بلندمدت وزن این کشور در نظام بین‌الملل کاهش جدی خواهد یافت. امروزه قدرت روسیه را در مناطق جنگ‌زده خاورمیانه می‌توان حس کرد، اما در موضوعات اقتصادی،

مالی، علمی و غیره در دنیا کشور متوسطی محسوب می‌شود. در مقابل کشوری مثل چین که داعیه ابرقدرتی در نظام بین‌الملل را دارد، با توجه به تمرکز نخبگان این کشور بر مؤلفه‌های نرم‌افزاری (به‌خصوص حوزه‌های اقتصادی و فناوری) قدرت، اعتبار قابل‌توجهی در عرصه جهانی کسب کرده است.

از آنجایی که مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت در دنیای کنونی عناصر اقتصادی، فناوری و علمی است، پیشرفت یک کشور و افزایش قدرت آن در صورتی امکان‌پذیر است که حاکمیت آن کشور ضمن در نظر گرفتن تحولات نظام بین‌الملل، به همه ابعاد و مؤلفه‌های قدرت برنامه‌ریزی داشته باشد. «قدرت باید به‌گونه‌ای سازمان یابد که هر دو مسئله امنیت و ثروت را برآورد» (موثقی، ۱۳۸۷: ۱۰). نکته دیگر این‌که بدون توجه به وضعیت کشورهای پیشرفته از جمله آمریکا، کشورهای اروپایی به‌خصوص آلمان، فرانسه، انگلیس و قدرتهای نوظهوری همچون برزیل، ترکیه، کره جنوبی، هند و مالزی نمی‌توان صرفاً با در نظر گرفتن شرایط ملی ایران برای آینده پیشرفت کشور برنامه‌ریزی کرد. در نهایت پیشنهاد می‌شود ضمن اصلاح تدابیر زیرمجموع بندهای ۱۴ و ۱۶ افق (با توجه به توضیحات بالا)، افق و تدابیر زیر نیز به سند الگوی پایه پیشرفت اضافه شود:

افق پیشنهادی:

برنامه‌ریزی‌ها، راهبردها و رویکردهای سیاست خارجی ایران، پیشرفت‌محور بوده و دیپلماسی اقتصادی با هدف تضمین منافع ملی و قدرتمندی بیشتر ایران، کانون سیاست خارجی در نظر گرفته می‌شود.

تدابیر پیشنهادی:

- توجه هم‌زمان به مؤلفه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت و امنیت؛
- خصوصی‌سازی اقتصاد ایران در راستای همگرایی با اقتصاد جهانی؛
- آزادسازی اقتصادی به تناسب ادغام در اقتصاد جهانی؛
- تقویت همکاری‌های علمی و دانشگاهی با دانشگاه‌های معتبر جهان؛
- رویکرد صلح‌آمیز در منطقه و جهان و تبدیل تعارض به اختلاف در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی؛
- حذف موازی‌کاری در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی سیاست خارجی کشور؛
- توجه به دیپلماسی رسانه‌ای و استفاده از ظرفیت فضای مجازی با هدف ارتباط با افکار عمومی جهانی؛
- گسترش و توسعه سیستم‌های تجارت الکترونیک؛
- توجه به آمایش سرزمینی در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای؛

- اصلاح قوانین مالیاتی و بانکی و ایجاد شفافیت در نظام اداری کشور؛
- ایجاد مشوق‌های لازم در خصوص جذب سرمایه‌گذاری خارجی؛
- استفاده از همه ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی در تعاملات اقتصادی؛
- تنوع بخشیدن به بازارهای مصرف نفت و گاز؛
- پیگیری نظام امنیت جمعی در منطقه با هدف باثبات‌سازی محیط پیرامون ایران.

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی و امنیت خود را حفظ کرده‌ایم (بند ۱۴ افق).
- (۲) درجهان اسلام، عامل وحدت و اخوت، در منطقه پیرامونی، عامل ثبات و در سطح بین‌الملل، عدالت‌خواه، عزتمند و صلح‌جو هستیم (بند ۱۶ افق).

منابع فارسی

- اسلامی، مسعود (۱۳۹۱)، «دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی»، *راهبرد*، سال بیست‌ویکم، شماره ۶۴: ۲۲۰-۱۸۹.
- افخمی‌راد، ولی‌الله (۱۳۹۴/۱۰/۱۳)، *خبرگزاری مهر*.
- امیدبخش، اسفندیار (۱۳۹۴)، «نفت، پسته و فرش توسعه نمی‌آورد»، *نشریه دیپلماسی انرژی*، سال اول، شماره ۳.
- حافظنیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۵)، «طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها»، فصلنامه *ژئوپلیتیک*، سال دوم، شماره ۲: ۷۳-۴۶.
- خلیلی، عبدالرسول (۹۴/۸/۶)، *روزنامه شرق*، شماره ۲۴۳۳.
- دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال‌الدین و مختار صالحی (۱۳۹۱)، «دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ایران؛ زمینه‌ها و چالش‌ها»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال هفدهم، شماره ۵۲: ۱۱۴-۷۳.
- دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۷)، «ضرورت‌ها و کارکرد دیپلماسی در سیاست خارجی توسعه‌گرا»، در *مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا (۳۸۰-۳۶۲)*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- گزارش فرابورس (۱۳۹۲)، «دیپلماسی اقتصادی؛ چالش‌ها و راهکارهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی»، قابل دسترسی در: <http://www.ifb.ir>
- روحانی، حسن (۱۳۸۷)، «آیا سیاست خارجی ج.ا.ایران در مسیر چشم‌انداز بیست‌ساله است؟»، در *مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا (۲۵-۱۵)*، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۴/۱۱/۱۷)، «مبنای قدرت ملی اقتصاد است»، *سومین سمینار پیش‌بینی اقتصاد ایران در سال ۹۵*، مؤسسه بامداد، قابل دسترسی در:
- www.baharnews.ir/news/100743
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۰)، «مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران»، *روابط خارجی*، سال سوم، شماره ۱: ۴۹-۷۴.

فتحی، یحیی و رضا پاک‌دامن (۱۳۸۹)، «جایگاه شرکای ایران در دیپلماسی تجاری»، *روابط خارجی*، سال دوم، شماره ۳، ۲۵۱-۲۰۱.

موتقی، ابراهیم (۱۳۹۳)، «دیپلماسی انرژی ایران، الگوها و روندها، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی»، قابل دسترسی در: www.energydiplomacy.iies.ac.irrhfg

موتقی، احمد (۱۳۸۷)، «توسعه و سیاست خارجی توسعه‌گرا»، در *مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا* (۲۱۴-۱۸۲)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

موسوی شفاپی، مسعود (۱۳۸۸)، «دیپلماسی اقتصادی، ابزاری نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن»، در *مجموعه مقالات دیپلماسی اقتصادی*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام.

موسوی شفاپی، مسعود و همت ایمانی (۱۳۹۳)، «دیپلماسی اقتصادی و قدرتمندی چین در عرصه جهانی»، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، سال اول، شماره ۲.

موسوی موحدی، علی‌اکبر و ابوالفضل کیانی‌بختیاری (۱۳۹۱)، «دیپلماسی علمی و فناوری»، *نشریه نشاء علم*، سال دوم، شماره ۲: ۷۶-۷۱.

مولانژاد، محمود، مهدی نداف و بهروز موسی‌زاده (۱۳۸۹)، «تبیین رفتار نیروهای جهانی شدن بر سیاست‌گذاری بازرگانی خارجی ایران»، *مطالعات مدیریت راهبردی*، شماره ۳: ۸۸-۶۹.

واعظی، محمود (۱۳۸۷)، «راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا»، در *مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام.

منابع لاتین

- Baranay, P.(2009), *Modern Economic Diplomacy*. Available at: www.dec.lv/mi/Baranay_Pavol_engl.pdf
- Bayne, N., & Woolcock, S, (2011), *The new economic diplomacy: decision-making and negotiation in international economic relations*, Aldershot: Ashgate Publishing, Ltd.
- Bryant, W. (1975), *Japanese Private Economic Diplomacy*. NY: Praeger Publisher.
- Jönsson, Christer and Hall, Martin (2005), *Essence of Diplomacy (Studies in Diplomacy and International Relations)* New York: Palgrave Macmillan.
- Mayers, Amy J. (2004), *The Growing Developing Countries Appetite for Oil and Natural Gas Economic Perspective*, 1-5.
- Naray, O. (2008), *Commercial Diplomacy: A Conceptual Overview*, *In 7th World Conference of TPOs The Hague The Netherlands*, Netherlands.
- Nye, Joseph S. (2011), *The Future of Power* New York: Public Affairs,.
- Ploae, C. (2010), *Recent trends of Commercial Diplomacy in the Balkans Area*, Available At:

<https://www.researchgate.net/publication/242083669RecenttrendsofCommercialDiplomacyintheBalkansArea>.

Rana, K. S. (2007), Economic diplomacy: the experience of developing countries , *The New Economic Diplomacy: Decision-Making and Negotiations in International Economic Relations*, Aldershot: Ashgate.

Rashid, H. U. (2005), *Economic Diplomacy In South Asia*, Available at:<http://www.rspas.anu.edu.au>

Sklias, Pantelis, Roukanas, Spyros& Pistikou, Victoria (May 2012), China s Economic Diplomacy: A Comparative Approach to Sino-Greek and Sino-Turkish relations ,*International Journal of Business and Social Science*, Vol.3, No.10 [Special Issue]-p 288

Sobhan, Farooq(2009),Focus on economic diplomacy: The priority tasks Available at: <http://ruchichowdhury.tripod.com>

worldbank.org(2015).

